[20] أو طبيعتي بی نياز وروحي موقر وآرام داشت، از پدر خود شنيده بود كه ثروت ومال موجب بی نيازی نيست، بلكه بی نيازی در بی نيازی نفس واستغنای طبع آدمی حاصل می شود. همچنين از پدر خود شنيده بود كه می فرمايد: پروردگار خواست تا بيابان مكه را انباشته از طلا نمايد وبمن دهد، گفتم پروردگارا دوست دارم كه يك روز گرسنه وديگر روز سير باشم، تا آنروز كه گرسنه ام ترا بخوانم وبه نزد تو تضرع وعرض نياز كنم، وآن روز كه سير باشم شكر نعمت گذارم وحمد وثنای تو گويم. أو همچون ديگر خاندان اهل بيت از موهبت فصاحت وبلاغت بهره أي وافر داشت، با نيروی گفتار خود بر دلها فرمانروائی می كرد وبا بيان استوار جانها را در اختيار می گرفت، وبا نيكوترين روشها سخن می گفت، همه اين امتيازات در خطابه أي كه آن حضرت به مخالفت با تصدی مقام خلافت بوسيله أبو بكر وبه محاجه با وی در مسأله فدك ايراد كرد خود نمائي دارد. از انس بن مالك روايت شده كه روزی پيامبر خدا از ما پرسيد: زنان را چه چيز از همه نيكوتر باشد، كسی پاسخ آنرا نمی دانست، حضرت علی (عليه السلام) بی درنگ نزد حضرت فاطمه (عليها السلام) رفت ومسأله را از أو پرسش كرد، ايشان فرمودند: چرا نگفتی كه زنان را نيكوترين چيز آنستكه به مردان نظر نكنند، و مردان نيز ايشان را ديدار ننمايند، حضرت علی (عليه السلام) بازگشت وپاسخ پيامبر را بهمان صورت كه از همسر خود شنيده بود عرضه داشت، پيامبر فرمود: أي علی چه كسی ترا بر آن آگاه ساخت ؟ گفت: فاطمه، آنگاه پيامبر فرمود حقا كه فاطمه پاره تن من است. چندی نگذشت كه تولد كودكانی عزيز فرح افزا وروشنی بخش آن خانه
